

آینده جهان اسلام در نظم نوین جهانی: تحلیل ظرفیت‌ها و سناریوهای

محتمل بر پایه چارچوب آینده‌پژوهی در اندیشه سیاسی مقاومت

سید قدیر غنی زاده زاویه^۱ | غلامرضا نقوی^۲ | سید اسد الله اطهری^۳ | فاضل فیضی^۴

۳۱

سال پانزدهم

بهار و تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۲/۱۰

صص: ۱-۲۴

شاپا چاپ: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



چکیده

جهان اسلام در دهه‌های اخیر با پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی، رقابت قدرت‌های جهانی، دگرگونی‌های اجتماعی و ظهور بازیگران غیردولتی مواجه بوده است. باوجود طرح گسترده اهمیت ظرفیت‌های تمدنی، فرهنگی و راهبردی مسلمانان، هنوز در ادبیات علمی، آینده جهان اسلام در قالب سناریوهای نظام‌مند به‌ویژه اندیشه سیاسی و منطق مقاومت کمتر تحلیل شده است. پژوهش حاضر با هدف طراحی سناریوهای محتمل در آینده جهان اسلام و شناسایی ظرفیت‌های مؤثر بر مسیرهای پیش‌رو برای مقاومت انقلابی، از روش آینده‌پژوهی مبتنی بر سناریوسازی بهره می‌گیرد. داده‌ها بر اساس تحلیل کیفی منابع علمی، اسناد و آثار معتبر حوزه مطالعات اسلامی و ژئوپلیتیک جهان اسلام گردآوری شده‌اند. ابتدا ظرفیت‌های کلیدی جهان اسلام شناسایی و طبقه‌بندی شدند و سپس با بهره‌گیری از منطق عدم قطعیت‌ها و پیش‌ران‌ها، پنج سناریوی اصلی مشتمل بر «شعب ابی طالب»، «خندق»، «صلح حدیبیه»، «فتح مکه» و «تبوک» طراحی گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد آینده جهان اسلام وابسته به نحوه بهره‌گیری از ظرفیت‌های تمدنی، انسجام داخلی، قدرت اجتماعی و میدان‌داری در نظم جدید جهانی بر پایه اندیشه و منطق مقاومت انقلابی است. این سناریوها تصویری ساختارمند از وضعیت‌های ممکن ارائه می‌دهند که می‌تواند در تصمیم‌سازی سیاست‌گذاران و مراکز راهبردی جهان اسلام راهگشا باشد.

کلیدواژه‌ها

مهندس نظم جدید جهانی، جهان اسلام، سناریوهای جهان اسلام، اندیشه سیاسی مقاومت اسلامی

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

Email: 0056052499@iau.ir

۳. استادیار گروه علوم سیاسی واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

۴. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

جهان اسلام یکی از کانون‌های اصلی تحولات ژئوپلیتیکی و فرهنگی سده ۲۱ است. تحولات امنیتی، رقابت قدرت‌های جهانی، گسترش ظرفیت‌های مردمی مقاومت و دگرگونی‌های سیاسی در کشورهای مسلمان، مسیر آینده این جهان پهناور را با عدم قطعیت‌های جدی روبه‌رو کرده است. باوجود اهمیت این تحولات، ادبیات علمی درباره آینده جهان اسلام عمدتاً توصیفی است و کمتر از رویکردهای علمی آینده‌پژوهی به‌ویژه سناریونویسی بهره گرفته است.

از سوی دیگر، بخش شایان توجهی از پژوهش‌های موجود چارچوب نظری روشن، طبقه‌بندی دقیق ظرفیت‌ها و تحلیل نظام‌مند روندها و قطعیت‌های اثرگذار ندارند. این خلأ موجب شده است تصویر روشنی از مسیرهای ممکن پیش روی جهان اسلام ارائه نشود. ضرورت پژوهش پیش‌رو از همین نقطه ناشی می‌شود: طراحی سناریوهای معتبر، علمی و قابل تحلیل برای آینده جهان اسلام بر پایه روش‌شناسی آینده‌پژوهی. این پژوهش تلاش می‌کند:

۱. ظرفیت‌های کلیدی جهان اسلام را در قالب یک چارچوب تحلیلی استاندارد شناسایی کند.

۲. پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های مؤثر بر آینده را آشکار سازد.

۳. چند سناریوی متمایز، مستند و تحلیل‌محور ارائه دهد.

۴. مسیرهای ممکن جهان اسلام در نظم نوین جهانی را مدل‌سازی کند.

سؤال اصلی و سؤالات فرعی تحقیق

سؤال اصلی:

آینده جهان اسلام در بستر جهانی بر پایه اندیشه سیاسی و منطق مقاومت تحت تأثیر چه ظرفیت‌ها، چه پیشران‌هایی و در قالب چه سناریوهایی قابل تصور است؟

سؤالات فرعی:

۱. ظرفیت‌های اصلی جهان اسلام در اندیشه سیاسی و منطق مقاومت برای کنش در آینده

چیست؟

۲. مهم‌ترین پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های شکل‌دهنده آینده جهان در اندیشه سیاسی و منطق مقاومت اسلام کدام‌اند؟
۳. سناریوهای محتمل آینده چگونه و با چه منطق نظری قابل طراحی هستند؟
۴. هر سناریو چه پیامدهایی برای جهان اسلام دارد؟

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

۱. تعاریف و اصطلاحات

آینده‌پژوهی^۱: مطالعه منظم آینده‌های ممکن و محتمل با هدف شناخت الگوهای تغییر (Hines, ۲۰۱۲ & Bishop). آینده‌پژوهی به مجموعه‌ای از روش‌ها، نظریه‌ها و رویکردهای علمی گفته می‌شود که با هدف مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب تلاش می‌کند تغییرات، روندها و عدم قطعیت‌های مؤثر بر آینده را شناسایی، تحلیل و مدل‌سازی کند.

این رشته «پیش‌بینی قطعی آینده» نیست، بلکه شناخت طیفی از آینده‌ها و ایجاد آمادگی و ظرفیت تصمیم‌سازی برای مواجهه با آنهاست. آینده‌پژوهی با استفاده از ابزارهایی مانند سناریونویسی، تحلیل روند، شناسایی پیشران‌ها، دلفی، آینده‌نگاری و روش‌های ترکیبی، امکان برنامه‌ریزی آگاهانه برای آینده را فراهم می‌سازد.

آینده‌پژوهی بر سه اصل استوار است:

آینده پیش‌بینی‌پذیر نیست، اما تحلیل‌پذیر است.

آینده واحد نیست؛ مجموعه‌ای از آینده‌های ممکن وجود دارد.

هدف، ساختن آینده مطلوب با شناخت پیشران‌ها و عدم قطعیت‌هاست

سناریونویسی: روشی تحلیلی برای ساخت تصاویر متفاوت از آینده بر اساس پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها (شوارتز، ۱۹۹۶).

ظرفیت^۲: مجموعه توانایی‌های مادی، معنوی، انسانی، نهادی و فرهنگی که قابلیت تبدیل به قدرت را دارند. ظرفیت مجموعه‌ای از توانایی‌ها، منابع، مهارت‌ها، ساختارها، دارایی‌ها و قابلیت‌های فردی، سازمانی یا اجتماعی است که امکان انجام یک عمل، تحقق هدف، حل مسئله، یا خلق تغییر

را فراهم می‌سازد. ظرفیت می‌تواند بالفعل (واقع شده) یا بالقوه (نهفته و قابل فعال‌سازی) باشد و در سطوح مختلف فردی، جمعی، نهادی، ملی و تمدنی معنا پیدا می‌کند.

در علوم اجتماعی، توسعه، سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، ظرفیت به نیرویی که می‌تواند به قدرت تبدیل شود تعبیر می‌شود. UNDP ظرفیت را «توانایی افراد، نهادها و جوامع برای انجام وظایف، حل مشکلات و تعیین و دستیابی به اهداف خود» تعریف می‌کند. این تعریف تأکید دارد که ظرفیت تنها داشتن منابع نیست، بلکه توانایی استفاده از آنهاست. (UNDP, ۲۰۰۹)

OECD ظرفیت را «توانایی نظام‌ها، سازمان‌ها و افراد برای عملکرد اثربخش، کارآمد و پایدار» می‌داند. این تعریف بر **پایداری و توانایی تولید خروجی قابل اتکا** تأکید دارد. (OECD, ۲۰۰۶)

در علوم سیاسی، ظرفیت^۱ به «توانایی دولت برای اجرای تصمیم‌ها، حفظ انسجام، اعمال اقتدار و مدیریت منابع» گفته می‌شود. این مفهوم بخشی از نظریه‌های دولت‌سازی و توسعه سیاسی است. (مان، ۱۹۸۹)

بر اساس آثار «اسپوزیتو» و «نصر»، ظرفیت در حوزه جهان اسلام شامل:

- سرمایه انسانی
- سرمایه اعتقادی و فرهنگی
- ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و سرزمینی
- قدرت نرم
- نهادهای اجتماعی
- منابع طبیعی و انرژی
- شبکه‌های فراملی (اسپوزیتو، ۲۰۱۸، نصر، ۲۰۱۶)

پیشران: ۲ عامل‌های کلیدی که بر روندهای آینده تأثیر می‌گذارند مانند جمعیت، ایدئولوژی، فناوری، ژئوپلیتیک.

عدم قطعیت راهبردی: متغیرهایی که آینده آنها قابل پیش‌بینی نیست اما اثر زیادی دارند. پیشران یا محرک تغییر، به عواملی گفته می‌شود که با ایجاد نیرو، جهت یا فشار، مسیر تحولات آینده را

State Capacity^۱
Driver^۲

شکل می‌دهند. پیشران‌ها می‌توانند روند ایجاد کنند، روندهای موجود را تقویت یا تضعیف کنند، یا موجب شکل‌گیری عدم قطعیت‌های جدید شوند. پیشران برخلاف «روند» که معمولاً ماهیتی پیوسته و قابل‌پیگیری دارد، عاملی بنیادین است که روندها، تغییرات و جهش‌های آینده از آن ناشی می‌شود. ویژگی‌های پیشران‌ها: بر اساس استانداردهای آینده‌پژوهی، یک پیشران دارای ویژگی‌های زیر است:

- اثرگذاری بالا بر تغییرات آینده

- تداوم نسبی در طول زمان

- توانایی جهت‌دهی به روندها و پیامدها

- ریشه‌ای بودن و نه سطحی

- قابلیت تولید عدم قطعیت در برخی شرایط

در ادبیات آینده‌پژوهی، پیشران‌ها درواقع ریشه‌های اصلی تغییر هستند؛ عواملی که بیشترین اثر را بر سناریوهای آینده دارند و شامل متغیرهای کلیدی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه، زیست‌محیطی، فرهنگی و ژئوپلیتیک می‌شوند. (مرادی پور و نوروزیان، ۱۹۸۴، رحیم‌پور و معاریان، ۱۳۹۲)

تعریف مقاومت انقلابی در ادبیات اسلامی

«مقاومت انقلابی» در ادبیات اسلامی به راهبرد پایدار ایستادگی، پایداری و کنش فعال برای حفظ دین، ارزش‌ها، استقلال و عدالت در برابر سلطه، ظلم، اشغال و استکبار گفته می‌شود. این مفهوم ریشه در متون وحیانی (قرآن و سنت)، تاریخ سیاسی صدر اسلام، فقه جهاد و امر به معروف و نیز نظریه‌های معاصر اندیشه سیاسی اسلام دارد. (رشیدی آل‌هاشم، ۱۴۰۳)

مقاومت انقلابی به معنای ایستادگی سازمان‌یافته و آگاهانه برای تحقق حاکمیت الهی، صیانت از امت اسلامی و جلوگیری از سلطه دشمنان است؛ مقاومتی که از ایمان، تکلیف الهی، عدالت‌خواهی، کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی برخاسته باشد.

عناصر کلیدی مقاومت انقلابی در ادبیات اسلامی

- ایمان محوری: ریشه مقاومت در باور به توحید، وعده نصرت الهی و وظیفه جهاد.

-عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی: نفی سبیل و عدم پذیرش تسلط کفار بر مسلمانان.
-کنش‌گرایی اجتماعی - سیاسی: حرکت جمعی و سازمان‌یافته برای تغییر وضع موجود.
-هویت‌خواهی اسلامی: بازسازی جامعه بر اساس ارزش‌های اسلامی، نه ارزش‌های تحمیلی.

-تداوم تاریخی: امتداد سنت مقاومت از بدر و احد تا عاشورا و جریان مقاومت معاصر.

۲. ادبیات و پیشینه تحقیق

پژوهش‌های درباره آینده جهان اسلام معمولاً در سه دسته قرار می‌گیرند:

- رویکردهای ژئوپلیتیک: تمرکز بر رقابت قدرت‌ها و نظم بین‌الملل (Ayoob, ۲۰۱۹).
- رویکردهای تمدنی: بررسی ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی (Esposito, ۲۰۱۸).
- رویکردهای امنیتی: تحلیل تهدیدها، بازیگران نیابتی و مقاومت (Bacevich, ۲۰۲۰).

اما کمتر پژوهشی تلاش کرده ظرفیت‌های جهان اسلام را طبقه‌بندی کرده و در قالب سناریوهای آینده‌پژوهانه بررسی کند. این پژوهش این خلأ را پوشش می‌دهد.

پیشینه تحقیق

۱. جلالی و مجد (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان **نظم نوین جهانی و آینده خاورمیانه نتیجه گرفته است** تحلیل تحولات ژئوپلیتیکی پساجنگ سرد، نشان می‌دهد که خاورمیانه و جهان اسلام در معرض «بازترسیم هندسه قدرت جهانی» قرار دارند و توازن قوا میان قدرت‌های منطقه‌ای (ایران، ترکیه، عربستان) تعیین‌کننده نقش آینده جهان اسلام در نظم نوین جهانی است. (جلالی، مجد، ۱۳۹۵: ۴۳-۶۴)

۲. حافظ‌نیا (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان **مطالعات بنیادین جهان اسلام و آینده ساختار قدرت نتیجه گرفته است رویکرد ژئوپلیتیک اسلامی**، آینده جهان اسلام وابسته به «ظرفیت‌سازی نرم»، «بازتعریف هویت سیاسی» و «همگرایی تمدنی» است. وی تأکید می‌کند که بدون الگوی مستقل امنیتی، جهان اسلام در نظم جدید جهانی نقش مستقل نخواهد داشت. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۹)

۳. افتخاری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان نظریه مقاومت در جهان اسلام نتیجه

گرفته است که «اندیشه مقاومت» به عنوان یک پارادایم تمدنی، ظرفیت تولید سناریوهای مستقل برای آینده جهان اسلام دارد. وی سیر تاریخی مقاومت را اساس بازتعریف نقش جهان اسلام در نظم جدید جهانی می‌داند. (افتخاری، ۱۳۹۹)

۴. رکابیان و پورحسن (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان گفتمان مقاومت و آینده

جهان اسلام نشان می‌دهد که اندیشه مقاومت و گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی در دهه‌های اخیر یکی از مؤثرترین عوامل در تحول نقش تمدنی جهان اسلام بوده و در نظم نوین جهانی به عنوان «کنشگر امنیت‌ساز» ظاهر شده است. (رکابیان پور و پورحسن، ۱۴۰۰)

۵. شریعت و قلی‌پور (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل آینده مقاومت در

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نتیجه می‌گیرد آینده جهان اسلام در نظم نوین جهانی، تابع «بازسازی هویت سیاسی مستقل» و «نفی سیل» است و هر نظم جهانی که مبتنی بر سلطه باشد، از منظر اسلامی نامشروع است. (شریعت، قلی‌پور، ۱۴۰۱)

-اسپوزیتو (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان اسلام و آینده مدارا نتیجه می‌گیرد که جهان اسلام در حال گذار از «بحران هویت» به «بازگشت تمدنی» است و آینده نظم جهانی به شدت وابسته به تحولات درون‌اسلامی، تغییر قدرت‌های منطقه‌ای و نقش بازیگران مقاومت است. (اسپوزیتو، ۲۰۱۸)
-ولید نصر (۲۰۱۶) با پژوهشی با عنوان اسلام و قدرت دولت نتیجه می‌گیرد بر اساس نظریه دولت اسلامی و تحولات ژئوپلیتیک پس از ۲۰۱۰، آینده جهان اسلام را در چارچوب «ظهور بازیگران غیردولتی»، «محورهای مقاومت» و «چندقطبی شدن نظم جهانی» تحلیل می‌کند. (نصر، ۲۰۱۶)

۳. مبانی نظری

تحلیل این پژوهش بر سه چارچوب نظری استوار است:

-نظریه واقع‌گرایی انتقادی در مطالعات آینده (Sayer, ۲۰۱۰): واقع‌گرایی یکی از مهم‌ترین و پایدارترین نظریه‌های روابط بین‌الملل است. این نظریه برخلاف بسیاری از نظریه‌های جدید که بر نُرْم‌ها، هویت‌ها، اقتصاد جهانی، نهادها یا جهان‌وطنی تأکید دارند، بر قدرت، امنیت و منافع ملی تمرکز می‌کند.

پرسش این است: جایگاه واقع‌گرایی در آینده چیست و آینده نظم جهانی را چگونه پیش‌بینی می‌کند؟

آنچه در ادبیات علمی جدید شکل گرفته، «واقع‌گرایی آینده‌محور^۱» یا است: رویکردی که اصول کلاسیک واقع‌گرایی را حفظ می‌کند اما آن را در قالب نظم نوین جهانی، رقابت قدرت‌های بزرگ، فناوری‌های جدید، جنگ‌های ترکیبی و بازیگران غیردولتی بازتعریف می‌کند.

۱- اصول واقع‌گرایی در تحلیل آینده بر اساس واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی، آینده سیاست بین‌الملل تحت تأثیر سه اصل ثابت است: آنارشی نظام بین‌الملل: آینده هم مانند گذشته فاقد حکومت جهانی است. (Waltz, ۱۹۷۹) جست‌وجوی قدرت برای بقای دولت‌ها در آینده نیز برای امنیت، افزایش قدرت و بازدارندگی رقابت خواهند کرد **مورگنتاو** (۱۹۸۶) تنازع دائمی قدرت‌های بزرگ، حتی در نظم جدید جهانی، رقابت چین-آمریکا، محور مقاومت-آمریکا و قدرت‌های منطقه‌ای ادامه می‌یابد. مرشایمر (۲۰۰۱): بنابراین از نگاه واقع‌گرایی، آینده جهان نظم‌پذیر نیست؛ بلکه قدرت‌محور است.

۲- واقع‌گرایی و آینده نظم نوین جهانی: تحقیقات جدید نشان می‌دهند که واقع‌گرایی در تحلیل آینده انعطاف پیدا کرده و با مفاهیمی چون:

- چندقطبی شدن جهان
- جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق
- بازیگران غیردولتی مقاومت
- جنگ‌های هیبریدی
- امنیت انرژی و فناوری
- و ظهور تمدن‌ها ترکیب می‌شود.

۱-۲- ظهور چندقطبی: ۱ واقع گرایان آینده را به سوی چندقطبی نامتقارن پیش‌بینی می‌کنند: چین، آمریکا، روسیه، هند، اتحادیه اروپا و بازیگران منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه قطب‌های جدید یک نظم چندلایه خواهند بود (Buzan, ۲۰۲۳).

۲-۲- بازگشت ژئوپلیتیک: فاصله‌گیری جهان از جهانی‌سازی و تمرکز مجدد بر قدرت سرزمینی، انرژی، مرزها و ژئوپلیتیک سخت مصداق بازگشت واقع‌گرایی است. (Kaplan, ۲۰۱۲)

۳-۲- نقش بازیگران مقاومت: واقع‌گرایی جدید، نقش قدرت‌های نامتقارن مثل محور مقاومت را در آینده امنیت منطقه‌ای لحاظ می‌کند (Miller & Zunes, ۲۰۲۰)

۳- واقع‌گرایی آینده‌محور در مواجهه با فناوری: واقع‌گرایی آینده را نتیجه رقابت قدرت‌ها بر سر فناوری‌های نو می‌داند؛ زیرا امنیت ملی بیش از گذشته به فناوری گره خورده است. مهم‌ترین فناوری‌های اثرگذار:

- هوش مصنوعی و جنگ سایبری

- پهپادها و جنگ از راه دور

- فناوری‌های شناسایی و نظارت

- انرژی‌های نو و رقابت بر سر منابع معدنی

- سلاح‌های فوق‌دقیق ۲

مک‌فی (McFate, ۲۰۱۹) بیان می‌کند: «آینده جنگ، واقع‌گرایی را تقویت می‌کند؛ زیرا فناوری قدرت را نامتقارن‌تر می‌کند»

۴- واقع‌گرایی تهاجمی و آینده رقابت قدرت‌های بزرگ: میرشایمر معتقد است آینده جهان، دوره برخوردهای شدید قدرت‌های بزرگ است.

سه گزاره اصلی او درباره آینده:

- چین قدرت‌طلبی خواهد کرد.

- آمریکا در برابر آن موازنه‌سازی خواهد کرد

- جهان اسلام و غرب آسیا میدان اصلی رقابت می‌شوند (Mearsheimer, ۲۰۱۴)

۵- واقع‌گرایی دفاعی^۱ و آینده امنیت کشورها بر اساس رویکرد واقع‌گرایی دفاعی: کشورها بیشتر به دنبال بقا و امنیت هستند تا گسترش قلمرو، بنابراین ایجاد بازدارندگی کافی است

تعارضات به‌جای جنگ مستقیم، بیشتر هیبریدی می‌شود (Jervis, ۱۹۷۸)
۶- واقع‌گرایی و آینده جهان اسلام: در ادبیات آینده‌پژوهی و روابط بین‌الملل، واقع‌گرایی برای تحلیل آینده جهان اسلام از چند عامل بهره می‌گیرد:

- وزن ژئوپلیتیک جهان اسلام
- نقش بازیگران مقاومت در موازنه‌سازی
- امنیت انرژی و منابع حیاتی
- نقش قدرت‌های خارجی
- قطب‌بندی جدید شرق-غرب
- تحولات تمدنی و هویتی
- مطالعاتی از کامروا (۲۰۱۸)، اسپوزیتو (۲۰۲۱) و اوده (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که: جهان اسلام در نظم آینده، بازیگر صرف نیست؛ بلکه میدان اصلی رقابت‌های ژئوپلیتیک آینده است.
- ۷- جمع‌بندی نظری مقرون به استناد نظریه واقع‌گرایی در آینده بر این اصول استوار است:
 - آنا‌رشی بین‌الملل ادامه می‌یابد
 - رقابت قدرت‌ها تشدید می‌شود
 - فناوری و ژئوپلیتیک نقش اصلی دارند
 - نظم آینده چندقطبی و متلاطم می‌شود
 - جهان اسلام یکی از صحنه‌های اصلی این رقابت است
 - واقع‌گرایی همچنان چارچوب اصلی تحلیل آینده نظم جهانی می‌شود
 - نظریه تمدن‌سازی اسلامی (Nasr, ۲۰۱۶): «نظریه تمدنی» یکی از مهم‌ترین رویکردهای کلان در علوم اجتماعی، سیاست، آینده‌پژوهی و مطالعات بین‌الملل است که تلاش می‌کند تحول جوامع

انسانی را در قالب چرخه‌های تمدن‌ها، الگوهای هویتی-فرهنگی، فرآیندهای قدرت نرم و نظم جهانی تبیین کند.

این نظریه بر این باور است که واحد اصلی تحلیل آینده بشر نه فقط «دولت-ملت»، بلکه تمدن‌ها هستند؛ واحدهایی گسترده‌تر، پایدارتر و ریشه‌دارتر که بر مبنای فرهنگ، دین، زبان، اسطوره، حافظه تاریخی و ساختارهای قدرت شکل می‌گیرند. در ادبیات جدید، نظریه تمدنی به یکی از ابزارهای اصلی تحلیل نظم نوین جهانی تبدیل شده است.

۱- تعریف نظریه تمدنی

-نظریه تمدنی مجموعه‌ای از دیدگاه‌هاست که ادعا می‌کند:
-جامعه انسانی در قالب «تمدن‌ها» سازمان می‌یابد.
-تمدن‌ها دارای چرخه حیات‌اند: پیدایش، اوج، زوال و نوسازی.
-آینده جهان در گرو تعامل، رقابت یا برخورد تمدن‌هاست.
-دین، فرهنگ و هویت نقش‌های بنیادی‌تر از ساختارهای اقتصادی یا سیاسی دارند.
بر این اساس، تمدن واحدی تاریخی-فرهنگی است که نظام معنایی، ساختار اجتماعی، نظم سیاسی و الگوی پیشرفت خاص خود را تولید می‌کند.

۲-ریشه‌های نظریه تمدنی: متفکران کلاسیک

۱-۲ ابن خلدون: ابن خلدون در «مقدمه» نخستین چارچوب جامعه‌شناختی تمدن را ارائه کرد و تمدن را محصول عصبیت، دولت‌سازی، عمران و فرهنگ دانست (۱۳۷۵: ۱۹۵۸, Ibn Khaldun).
۲-۲ آرنولد توین‌بی: توین‌بی تمدن‌ها را نتیجه «چالش-پاسخ» می‌دانست و معتقد بود تمدن‌ها زمانی رشد می‌کنند که بتوانند پاسخ خلاقانه به بحران‌های محیطی و اجتماعی بدهند (Toynbee, 1957).

۳-۲ اسوالد اشپنگلر: اشپنگلر در «افول غرب» تمدن‌ها را موجوداتی زنده با چرخه حیات دانست و سقوط تمدن غرب را اجتناب‌ناپذیر معرفی کرد. (Spengler, ۱۹۲۶)

۳-نظریه تمدنی در دوره معاصر: در اندیشه معاصر، نظریه تمدنی در قالب‌های جدید بازتولید شده است:

۱-۳- نظریه «برخورد تمدن‌ها» - ساموئل هانتینگتون
هانتینگتون استدلال می‌کند که در نظم پساجنگ سرد، اصلی‌ترین شکاف‌ها نه ایدئولوژیک یا اقتصادی بلکه تمدنی هستند:

اسلامی، کنفوسیوسی، غربی، ارتدوکس، هندی و (Huntington, ۱۹۹۶) ...
و آینده جهان را صحنه رقابت یا برخورد تمدن‌های دارای ارزش‌ها و منافع متعارض می‌بیند.
۲-۳- بری بوزان و نظریه «نظم پساجربی» بوزان (۲۰۲۳) معتقد است جهان وارد دوره «پساجربی» می‌شود که در آن تمدن‌های غیرغربی مانند چین، هند، ایران و ترکیه نقش اصلی می‌گیرند.
(Buzan, 2023)

۳-۳- شموئیل آیزنشتات - نظریه «مدرنیته‌های چندگانه» آیزنشتات (۲۰۰۳) می‌گوید غرب تنها مسیر مدرنیته نیست؛ بلکه تمدن‌های دیگر مسیرهای خاص مدرنیته خود را دارند (مدرنیته اسلامی، آسیایی و...) (Eisenstadt, ۲۰۰۳).

۴-۳- فوکویاما - «هویت» و بازگشت تمدن‌ها: فوکویاما (۲۰۱۸) معتقد است جهان به سوی احیای هویت‌های تمدنی پیش می‌رود و این امر پایه نظم جهانی آینده است (Fukuyama, ۲۰۱۸).
۴- مؤلفه‌های کلیدی نظریه تمدنی: در ادبیات نظری، تمدن‌ها دارای ویژگی‌های زیر هستند:

-جهان‌معنایی و نظام فرهنگی مشترک

-حافظه تاریخی و تجربه مشترک

-نظم سیاسی و الگوی قدرت

-جغرافیای فرهنگی

-نمادها و اسطوره‌های هویتی

-نهادهای اجتماعی-فرهنگی

-توانایی ایجاد نظم درونی و تعامل بیرونی

در آینده‌پژوهی، «تمدن» یکی از واحدهای کلیدی تحلیل آینده جهان به‌شمار می‌رود.

۵- نظریه تمدنی و آینده جهان اسلام: در تحقیقات نوین، جهان اسلام به‌عنوان یک تمدن تاریخی-معنایی با ظرفیت تبدیل شدن به بازیگر مستقل در نظم نوین جهانی دیده می‌شود.
بر اساس اسپوزیتو (۲۰۱۸)، نصر (۲۰۱۶)، علی‌اوده (۲۰۲۲) و کامروا (۲۰۱۸)

جهان اسلام دارای ویژگی‌های یک تمدن پویا است:

- هویت فرهنگی - دینی مشترک

- حافظه تاریخی واحد

- تجربه مشترک استعمار و مقاومت

- عمق ژئوپلیتیک

- سرمایه انسانی بزرگ

- ظرفیت‌های تمدن‌ساز (اربعمین، مقاومت، زبان عربی، قرآن، علوم اسلامی)

این تحلیل‌ها نشان می‌دهد جهان اسلام در نظم آینده نه تنها تابع قدرت‌های جهانی نیست، بلکه یکی از قطب‌های تمدنی مؤثر خواهد بود.

- رویکرد مقاومت و توازن وحشت در امنیت منطقه‌ای (Hinnebusch, ۲۰۲۱). «مقاومت

انقلابی» یکی از مهم‌ترین نظریه‌های هویتی - راهبردی در ادبیات سیاسی معاصر جهان اسلام است که به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان پارادایمی مستقل در برابر «نظم سلطه جهانی» مطرح شده است. این نظریه تلاش می‌کند ضمن حفظ هویت دینی و انقلابی، ابزارهای عملی، سازوکارهای راهبردی و الگوهای رفتاری لازم برای پیشرفت، بقا و کارآمدی نظام اسلامی را در محیط ناامن و متغیر بین‌المللی فراهم آورد.

مقاومت انقلابی، هم نظریه سیاسی است (در سطح اندیشه)، هم گفتمان اجتماعی - سیاسی (در سطح هویت جمعی) و هم راهبرد ژئوپلیتیک (در سطح کنش منطقه‌ای).

۱- تعریف نظریه مقاومت انقلابی: «مقاومت انقلابی» نظریه‌ای کلان است که بر اساس آن، جامعه و نظام سیاسی اسلامی برای حفظ هویت، امنیت، استقلال و پیشرفت خود در برابر ساختار سلطه جهانی، باید بر ایمان، جهاد، خوداتکایی، نفی سلطه، بازتولید هویت اسلامی و ظرفیت‌سازی درونی تکیه کند.

به تعبیر رشیدی آل‌هاشم (۱۴۰۲)، اندیشه مقاومت «راهکاری برای تضمین پیشرفت و کارآمدی نظام هم‌زمان با حفظ هویت انقلابی و استکبارستیزانه» است.

این نظریه همچنین بر اساس گفتار رهبری انقلاب اسلامی، به معنای «حرکت در مسیر حق بدون توقف و عقب‌نشینی در برابر موانع» تعریف می‌شود (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۸/۹/۶).

۲- ریشه‌های نظریه مقاومت انقلابی

نظریه مقاومت انقلابی سه ریشه نظری دارد:

۲-۱- ریشه دینی - الهیاتی: بر اساس قرآن، مقاومت یک اصل راهبردی و سنت الهی است:

«فزادهم ایماناً و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل» (آل عمران: ۱۷۳).

مفاهیمی مانند توکل، جهاد، صبر، نفی سبیل، عزت مؤمنانه، امت واحده و عدالت الهی، بنیان معرفتی مقاومت را تشکیل می‌دهند.

۲-۲ ریشه تاریخی - تمدنی مقاومت اسلامی ریشه در:

- قیام پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم در صدر اسلام،

- حماسه عاشورا،

- نهضت‌های ضد استعماری دوران معاصر، و انقلاب اسلامی ایران دارد.

اسپوزیتو (۲۰۱۸) و نصر (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که انقلاب اسلامی الگوی جدیدی از مقاومت

تمدنی در جهان اسلام ارائه کرده است.

۳-۲- ریشه سیاسی - گفتمانی: به گفته رکابیان و پورحسن (۱۴۰۰)، مقاومت یک گفتمان

سیاسی-تمدنی با دال مرکزی «عزت اسلامی» است که در برابر گفتمان سلطه قرار می‌گیرد.

از نگاه اوده (۲۰۲۲)، محور مقاومت به عنوان ساختاری شبکه‌ای، توانسته موازنه منطقه‌ای را تغییر

دهد.

۳-۳ اصول و مبانی نظری مقاومت انقلابی نظریه مقاومت انقلابی بر مجموعه‌ای از اصول استوار

است:

۱-۳ استقلال و نفی سلطه: اصل «نفی سبیل» به معنای عدم اجازه سلطه بیگانگان بر جامعه مؤمنان،

محور نظری مقاومت است (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱).

۲-۳- هویت دینی - انقلابی: هویت، سرمایه اصلی مقاومت است. شریعت و قلی‌پور (۱۴۰۱) نشان

داده‌اند که امام خمینی (ره) مقاومت را بر دو ستون «هویت اسلامی» و «مبارزه با استعمار» بنیان‌گذاری

کرد.

۳-۳- مردم‌محوری و عنصر مقاوم انسانی

در پژوهش‌های جدید، «انسان مقاوم» به عنوان عنصر مرکزی نظریه مقاومت مطرح شده است (پژوهش شما نیز دقیقاً همین نکته را برجسته کرده است).

۳-۴- ظرفیت‌سازی درونی: مقاومت انقلابی بر ظرفیت‌های داخلی جامعه (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی) تکیه دارد و توسعه را بر مبنای ظرفیت‌افزایی درونی دنبال می‌کند (پرورش، ۱۳۹۸؛ مرادی‌پور و نوروزیان، ۱۳۸۴)

۳-۵- راهبردپذیری و سناریوسازی: همان‌گونه که در تحلیل‌های شما نیز آمده است، مقاومت یک نظریه «راهبری» است که قادر است برای آینده سناریوسازی کند و در برابر تهدیدها واکنش هوشمندانه نشان دهد.

۴- سطوح نظریه مقاومت انقلابی

۱-۴- سطح فردی: تربیت انسان مقاوم (ایمان، اراده، مجاهدت، هوشیاری).

۲-۴- سطح اجتماعی: ایجاد انسجام، هویت مشترک، همبستگی و قدرت اجتماعی.

۳-۴- سطح دولت: تشکیل «دولت مقاومت» یعنی دولتی که سیاست داخلی و خارجی آن در چارچوب هویت انقلابی شکل می‌گیرد (پورحسین، ۱۴۰۰).

۴-۴- سطح منطقه‌ای و بین‌المللی: تشکیل «محور مقاومت» که به گفته اوده (۲۰۲۲) توانسته بازدارندگی علیه نظم هژمونیک آمریکا و صهیونیسم ایجاد کند.

۵- الگوهای رفتاری و کارکردهای مقاومت انقلابی

- بازدارندگی فعال

- خودکفایی دفاعی و علمی

- افزایش عمق راهبردی

- مدیریت بحران و تاب‌آوری ملی

- صبر راهبردی

- دیپلماسی معنابخش و هویتی

- الگوگیری از صدر اسلام (شعب ابی طالب، خندق، حدیبیه، فتح، تبوک)

ریویرا (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که مقاومت ایران از «افزودگی تطبیقی» برخوردار است، یعنی با

ترکیب ابزارهای نرم و سخت، فرسایش راهبردی دشمن را دنبال می‌کند.

۶- جایگاه مقاومت انقلابی در نظم نوین جهانی: بر پایه دیدگاه بوزان (۲۰۲۳)، نظم آینده جهان «پساغربی» است.

در این نظم جدید:

- نقش بازیگران غیردولتی افزایش می‌یابد،

- هویت‌های تمدنی فعال می‌شوند،

- ژئوپلیتیک بازمی‌گردد،

- و جهان اسلام تبدیل به بازیگر تعیین‌کننده می‌شود.

در چنین شرایطی، مقاومت انقلابی یک نظریه تمدنی است که تلاش می‌کند جهان اسلام را به موقعیت یک قطب مستقل تبدیل کند.

نظریه مقاومت انقلابی را می‌توان در قالب گزاره‌های زیر خلاصه کرد:

- مقاومت، راهبرد بقا و پیشرفت نظام اسلامی در برابر سلطه است.

- بنیان آن بر دین، هویت، عزت و نفی سلطه استوار است.

- عنصر مرکزی آن انسان مقاوم است، نه صرفاً ساختار سیاسی.

- مقاومت یک نظریه چندسطحی (فرد، جامعه، دولت، منطقه) است.

- توانایی سناریوسازی و تولید راهبرد دارد.

- در نظم نوین جهانی، به‌عنوان یک نظریه تمدنی و ضدهژمونیک عمل می‌کند.

۴. مدل مفهومی تحقیق

مدل مفهومی بر سه مؤلفه اصلی استوار است:

۱. ظرفیت‌ها

۲. پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها

۳. سناریوهای محتمل

این مدل به استخراج یافته‌ها و طراحی سناریوها کمک می‌کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، کیفی و از نظر روش، سناریونویسی آینده‌پژوهانه است.

مراحل تحقیق شامل:

۱. تحلیل اسناد و منابع علمی برای شناسایی ظرفیت‌ها.
 ۲. استخراج پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی.
 ۳. ساخت ماتریس عدم قطعیت‌ها.
 ۴. طراحی پنج سناریوی اصلی.
 ۵. تحلیل پیامدها و مسیرهای احتمالی.
- منابع داده شامل کتاب‌ها، مقالات معتبر، گزارش‌های راهبردی (UNDP، WEF، RAND) و اسناد مرتبط با جهان اسلام است.

یافته‌های پژوهش

۱. ظرفیت‌های کلیدی جهان اسلام

- ظرفیت‌ها در پنج دسته اصلی شناسایی و تحلیل شدند:
۱. ظرفیت‌شناسی (تشخیص توان بالقوه تمدنی و اجتماعی)
 ۲. ظرفیت‌سازی (ایجاد توان جدید در جوامع اسلامی؛ آیات قرآن و تجربه صدر اسلام مستند ظرفیت‌سازی‌اند)
 ۳. استفاده صحیح از ظرفیت‌ها (هدایت ظرفیت‌های مردمی، رسانه‌ای و فرهنگی به قدرت‌آفرینی)
 ۴. ظرفیت‌های موجود (نظیر شبکه‌های مقاومت، گروه‌های مردمی، سازمان‌های جهادی و فرهنگی)
 ۵. ظرفیت‌های مغفول (مانند انسجام اقتصادی جهان اسلام، همکاری‌های علمی، قدرت جمعیتی)

۲. پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها

- مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر آینده:
- نقش قدرت‌های جهانی در غرب آسیا
 - شکاف‌های درون‌اسلامی
 - فناوری و رسانه

- امنیت غذایی و انرژی

- تحول ایدئولوژی مقاومت

- قدرت نرم اسلام در جهان

مهم‌ترین عدم قطعیت‌ها:

- ثبات یا بی‌ثباتی ژئوپلیتیک

- اتحاد یا تفرقه سیاسی میان دولت‌های اسلامی

- آینده جنگ‌های نیابتی

- نقش نسل جوان مسلمان

سناریوهای محتمل آینده جهان اسلام

پژوهش حاضر پنج سناریوی قابل‌تصور ارائه می‌کند:

سناریوی ۱: شعب‌ابی طالب

اسلام در محاصره رسانه‌ای، سیاسی و اقتصادی قرار دارد. فضای جهانی علیه آن است و جهان

اسلام در وضعیت تدافعی و انزوایی قرار می‌گیرد.

سناریوی ۲: خندق

وضعیت جنگ ترکیبی، تهدیدات گسترده، فشار اقتصادی و امنیتی. هدف دشمن فروپاشی

داخلی و ایجاد بحران هویتی است.

سناریوی ۳: صلح حدیبیه

آرام‌سازی نسبی محیط خارجی، تمرکز بر توانمندسازی، توسعه داخلی و آماده‌سازی برای

جهش آینده.

سناریوی ۴: فتح مکه

تحولات جهانی به نفع جهان اسلام تغییر می‌کند. ظرفیت‌ها فعال‌شده، مشروعیت جهانی

افزایش می‌یابد و نیروی نرم جهان اسلام تقویت می‌شود.

سناریوی ۵: تبوک

قدرت‌نمایی و پیش‌دستی راهبردی. جهان اسلام وارد مرحله کنشگری فعال و چندلایه می‌شود

و نقش‌آفرینی بین‌المللی آن تقویت می‌گردد.

نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد آینده جهان اسلام بیش از هر چیز به نحوه بهره‌گیری از ظرفیت‌های تمدنی، قدرت نرم، انسجام اجتماعی و میدان‌داری در نظم نوین جهانی وابسته است. سناریوهای طراحی شده نشان می‌دهند مسیرهای پیش‌روی جهان اسلام از «فشار و انزوا» تا «اقتدار و کنشگری فعال» گسترده است و پیشران‌های راهبردی نقش تعیین‌کننده‌ای در این میان دارند.

پژوهش حاضر تصویری ساختارمند و قابل‌تحلیل از آینده‌های ممکن ارائه می‌دهد که می‌تواند برای سیاست‌گذاران، اندیشکده‌ها و مراکز مطالعاتی جهان اسلام مفید باشد. مسیر مطلوب تنها با فعال‌سازی ظرفیت‌ها، مدیریت عدم قطعیت‌ها و نگاه بلندمدت ممکن است.

ظرفیت مقاومت انقلابی اسلامی، به‌عنوان کنشگری فعال در برابر حملات گوناگون جهان از نظر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است؛ که از درون نظریه‌های گوناگون و چارچوب نظری به‌عنوان تمدن‌سازی اسلامی ظرفیت مردمی و مشارکت جهانی برای مقاومت انقلابی و کنشگری فعال را دارد و هر کدام از سناریوهای پنج‌گانه در موقعیت‌های گوناگون در رویارویی با دشمن‌های گوناگون می‌تواند جامعه و تمدن اسلامی را یاری کند و نتایج پیشینه‌های گوناگون در مقایسه با پژوهش حاضر همه را در مسیر و همسویی با پژوهش ما بودند و جهان اسلام مقاومت انقلابی را به‌عنوان نسخه ماندگاری و نقش‌آفرینی می‌تواند به جهان اسلام معرفی کرده و آن را به کار گرفته شود.

پیشنهاد می‌شود:

- کشورهای گوناگون و اردوگاه اسلامی در ارتباط با هم از نسخه مقاومت انقلابی و کنشگری در عرصه‌های گوناگون بهره ببرند.
- اندیشمندان جهان اسلامی نظریه مقاومت انقلابی را به‌عنوان دیدگاه اثرگذار در جهان مطالعه کرده و حوزه‌های جدید آن را معرفی نمایند.
- در جامعه اسلامی اندیشه مقاومت انقلابی به‌عنوان اندیشه فعال معرفی و تبیین شود و گفتمان مقاومت انقلابی با ریشه‌های تاریخی صدر اسلام به آینده جهان اسلام ارتباط نظری و تحلیلی داده شود.
- اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌هایی در داخل کشور و جغرافیای مقاومت راه‌اندازی و میز مطالعه نظریه مقاومت در حوزه‌های گوناگون راه‌اندازی شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). مقاومت در اسلام: نظریه و الگو. تهران: اندیشه سازان نور.
- اوده، ا. (۲۰۲۲). مقاومت و امپریالیسم در غرب آسیا. مطالعات عربی، ۴۴(۳-۴)، ۲۱۱-۲۳۴.
- بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۸/۹/۶.
- بوزان، باری (۲۰۲۳). جهان پساغربی. کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- پرورش، محسن. (۱۳۹۸). ظرفیت سازی در اربعین. قابل بازیابی از <https://ensani.ir>
- جلالی، رضا و مجد، مهدی. (۱۳۹۵). نظم نوین جهانی و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه. پژوهشنامه روابط بین الملل، ۹(۳۴)، ۴۳-۶۴.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۹). مطالعات بنیادی و کاربردی جهان اسلام. فصلنامه جهان اسلام، ۲(۱).
- رحیم نیا و معمار (۱۳۹۲) در مباحث سناریونگاری، پیشان را «متغیرهای اثرگذاری که تغییرات کلیدی را موجب می شوند» تعریف کرده اند.
- رشیدی آل هاشم، سید محمدرضا. (۱۴۰۲). قدرت نرم فرهنگی. تهران: موسسه چاپ و انتشارات افسری امام حسین (ع).
- رضایی، مجید؛ و هاشمی، سیدمحمدعلی. (۱۳۹۱). بازخوانی قاعده نفی سیل با رویکرد اندیشه های امام خمینی.
- رکابیان، ر؛ و پورحسن، م. (۱۴۰۰). گفتمان مقاومت و گام دوم انقلاب اسلامی. پژوهش های انقلاب اسلامی، ۱۰(۴)، ۲۳۵-۲۶۱.
- سیاوشی پور، غلامرضا. رشیدی آل هاشم، سید. محمدرضا؛ و حافظی صفت، محمد. (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه های گفتمان مقاومت انقلابی شهدا. فصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۲۱.
- شریعت، فرشاد؛ و قلی پور، محسن. (۱۴۰۱). تبیین مفهوم مقاومت در اندیشه سیاسی امام خمینی. جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱۰(۲۰)، ۱-۲۸.

-مرادی‌پور و نوروزیان (۱۳۸۴) پیشران را «عوامل بنیادینی می‌دانند که تغییر را ایجاد کرده و حرکت آینده را جهت می‌دهند».

- Naseem, V. (2016). *Islamic Leviathan*. Oxford University Press.
- Esposito, J. (2018). *Islam and the Future of World Order*. Oxford University Press.
- Khamenei, A. (2018–2022). *Speeches*. khamenei.ir
- Esposito, J. (2018). *Islam and the Future of Tolerance*. Oxford University Press.
- Hinnebusch, R. (2021). *The International Politics of the Middle East*. Manchester University Press.
- Nasr, V. (2016). *Islamic Leviathan: Islam and the Making of State Power*. Oxford University Press.
- Nasr, V. (2016). *Islamic Leviathan: Islam and the Making of State Power*. Oxford University Press.
- Schwartz, P. (1996). *The Art of the Long View*. Doubleday.
- Bacevich, A. (2020). *The Age of Illusions*. Macmillan.
- Bishop, P., & Hines, A. (2012). *Teaching about the Future*. Palgrave.
- Ayoob, M. (2019). *The Many Faces of Political Islam*. University of Michigan Press.
- United Nations Development Programme. (2009). *Capacity development: A UNDP primer*
- Organisation for Economic Co-operation and Development. (2006). *The challenge of capacity development*.
- Mann, M. (1984). *The autonomous power of the state*. *European Journal of Sociology*
- Esposito, J. (2018). *Islam and the future of tolerance*. Oxford University Press.
- Nasr, V. (2016). *Islamic Leviathan*. Oxford University Press.
- Buzan, B. (2023). *The making of a post-Western world*. Cambridge University Press.
- Esposito, J. (2021). *The future of Islam and world politics*. Oxford University Press.
- Jervis, R. (1978). *Cooperation under the security dilemma*. *World Politics*, ۳۰(۲), ۱۶۷–۲۱۴.
- Kaplan, R. (2012). *The revenge of geography*. Random House.
- McFate, S. (2019). *The new rules of war*. William Morrow.
- Mearsheimer, J. (2001). *The tragedy of great power politics*. W. W. Norton.

- Mearsheimer, J. (2014). Can China rise peacefully? The National Interest.
- Miller, R., & Zunes, S. (2020). Resistance movements in West Asia. Middle East Policy, 27(4), 44–62.
- Morgenthau, H. (1948). Politics among nations. Knopf.
- Waltz, K. (۱۹۷۹). Theory of international politics. Addison-Wesley.

